

سجال شعری به سبک تراژدی در شعر یحیی سماوی و محمد مهدی جواهری

محمد اعتمادی*

تاریخ دریافت: ۹۸/۵/۱۱

تاریخ پذیرش: ۹۸/۸/۲۲

چکیده

شکی نیست که کشور عراق در دوران معاصر تاریخی پر فراز و نشیب داشته است، از سال ۲۰۰۳م که از سوی آمریکا و هم پیمانانش مورد حمله و اشغال قرار گرفت، حکومت ظالمانه صدام به پایان رسید، و مردم عراق بعد از سال‌ها تحریم، ستم، و بیچارگی وارو دورانی جدید گشتند که مظاهرش اشغال استعمارگری جدید آمریکا بود. شعرای عراقی به صدای فریاد و ستم‌دیدگان گوش فرادادند، و واکنش‌های مختلفی جهت مقاومت و پایداری ابراز کردند. یحیی سماوی یکی از شعرای عراقی که توانسته است، و در اشعارش نقش مثبتی در راستای بیداری مردم و رجال سیاست عراق از غفلت و سستی در قبال اشغالگر و چپاول‌های آن بازی کند. یحیی سماوی در قصاید مختلف سجال‌ها و چالش‌های شعری به وجود آورد، که طرف این سجال‌ها هم آمریکائی‌ها بودند و هم بعضی از سیاستمداران خائن و منفعت طلب، شاعر با سبک خاصی توانسته است مصائب و بدبختی‌های کشورش را به عنوان تراژدی دردناک ارائه نماید. اما سجال‌های شعری جواهری که تقریباً نصف قرنی از نظر زمانی با سماوی سابق تر بوده است، کاملاً از لحاظ سبک و شیوه طرح مختلف بوده است، اگرچه در هدف مشترک بوده‌اند. جواهری سجال‌هایش قرن بیستمی است، اما سماوی شعرش منحصر به زمان خویش است.

کلیدواژگان: یحیی سماوی، سجال شعری، تراژدی، مقاومت.

مقدمه

اگرچه سجال‌های شعری مستقیماً نوعی از شعر مقاومت و پایداری به حساب نمی‌آید، اما در مضمون و هدف دارای گرایشی مقاومتی و نوعی عرض اندام قدرت است که خود را صاحب حق و دیگر را ظالم، و متجاوز، و حتی ضعیف نشان می‌دهد، یعنی اگرچه طرف‌های سه گانه سجال شعری، یعنی خود و دیگر، و متلقى در پشت بعضی از رموز و اشارات و کنایه‌ها مخفی گشته است اما در سیاق کلی، خطاب را طوری برای متلقى (جامعه، مستمع...) ارائه می‌نماید که دیگر را رسوا و ضعیف جلوه می‌دهد، و اینجاست که مبانی مقاومتی و پایداری جهت رفع هرگونه مظلومیت و اشاعه آگاهی و تحریک جامع آشکار می‌گردد. البته شاعر باید از آزارهای لفظی تشکیل دهنده کلام برای ایجاد و خلق تأثیر مطلوب در متلقى استفاده کند، تا بتواند نظر آن‌ها را به تأیید ادعای خویش جلب کند، زیرا گفته شده است، پایداری و استواری برای تحقق اهداف نیاز مبرم به اراده جمعی جامعه دارد، و این ارادت است که می‌تواند جامعه را از پیچیدگی‌های سیاسی، اجتماعی فرهنگی رها سازد، البته رویکردهای ادبیاتی نقشی بسیار مهم در ایجاد روحیه مقاومت و ستم ستیزی بازی می‌کند، از اینجا است که شعرا نوک پیکان چنین جریان‌های قرار گیرند. عباس یحیی سماوی در این راستا همت بلندش را در دفاع از وطن و مردمش قرار داد با بر ملا ساختن تجاوزهای دشمن اشغالگر، در خلال سبک شعری سجالی و چالشی، که به نوعی شامل دو هدف است، یکی نشان دادن بدبختی‌ها و مصیبت‌های که بر سر مردم عراق آمده، و دومی، رسوا کردن و معرفی نمودن دشمن اشغالگر و ابراز تنفر و تحدی و مبارزه طلبی با او، سجال شعری یحیی سماوی، اگرچه با سبک سجال‌های شعری معروف نزد شاعر عراقی نامی محمد مهدی جواهری تفاوت دارد در شعر عربی تفاوت دارد، اما مغزی و مفهوم یکی است، مردم عراق را مقاوم و مجاهد و مبارز می‌داند، و دشمن زورگو و ظالم که تا ابد نمی‌تواند در مقابل مبارزات مردم دوام بیاورد، که همه این‌ها در شعر جواهری و سجال‌هایش نیز بوده است اما طرف سوم این سجال‌ها خود مردم عراق است که به عنوان متلقى شعر او هستند، شاعر با این مثلث سجالی تراژدی جدیدی تقدیم دنیا می‌کند، ایشان معتقد است که اشغالگر نمی‌تواند به

تنهایی هر کاری بکند، عناصر خود فروخته که با همکاری آن‌ها ضربه‌های بسیار سنگینی به مردم وارد کردند.

رقصوا علی قرع الطبول كأنهم
خلقوا لطبل الأجنبي قروداً
مدوا لأحذية الجناة رؤوسهم
جسراً ومدوا للأكفِ خدودا
(سماوی، ۲۰۰۶: ۱۵)

- یعنی آن‌ها خائنان بر طبل دشمن خوشحال و رقصیدن گویا میمون بازی آن‌ها هستند

- و سرشان را مانند پلی زیر پای دشمنان گذاشتند و صورتشان را برای سیلی خوردن آماده کردند

این مقاله با طرح تنها سؤال تحقیق یعنی آیا می‌شود با تراژدی به اهداف مورد نظر در این سبک از سجال شعری رسید؟ با تحلیل و بررسی شکل شعری سجالی یحیی سماوی به ابعاد تأثیر این گونه اشعار در رسیدن به معنای واقعی مقاومت و پایداری می‌پردازد.

پیشینه تحقیق

اگرچه در مورد بعد سجالی در شعر یحیی سماوی تحقیقاتی مطرح نگردیده است اما به طور کلی در بیان و تحقیق اشعار انتقادی و مقاومتی ایشان مباحثی و مقالاتی تا کنون چاپ و منتشر گشته است. تعدادی از آن‌ها عبارت‌اند از:

۱- «دراسة وتحليل المضامين الشعرية للشاعر العراقي يحيى السماوي»، یحیی معروف، مجمع اللغة العربية وآدابها، سال ۸، شماره ۴.

۲- «بازتاب مقاومت در شعر یحیی سماوی»، همایش ملی ادبیات مقاومت لبنان، دانشگاه گیلان، ۱۳۸۸، علی نظری و نعمت عزیزی.

۳- «دراسة اسلوبية في شعر يحيى السماوي»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه رازی، بهنام باقری، ۱۳۹۱.

۴- «بازتاب مفاهیم مقاومت در اشعار یحیی السماوی»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تربیت معلم، تبریز، ۱۳۹۰.

گذری بر زندگی یحیی سماوی

یحیی عباس سماوی در سال ۱۹۴۹م در شهرستان سماوه عراق متولد، و دوران تحصیل متوسطه در آنجا به اتمام رسانده است. بعد از آن از دانشگاه مستنصریه در بغداد از مقطع لیسانس رشته ادبیات عرب فارغ التحصیل گشته است. از آنجائی که ایشان از معارضین و مخالفین رژیم صدام بوده، در انتفاضه مردمی سال ۱۹۹۱ شرکت داشتند، و نتیجتاً به کشور عربستان فرار می‌کند. او تا سال ۱۹۹۷ در جده عربستان با فعالیت در رادیو (اذاعة الشعب العراقی) و روزنامه نگاری به مبارزات خود علیه رژیم ادامه دادند (بلای و آباد، ۱۳: ۲۰۲). سپس در سال ۱۹۹۷ راهی استرالیا شد که سال‌های زیادی در آنجا سکونت گزید (نجار، ۲۰۰۹).

ایشان از معروف‌ترین شاعران طراز اول عراق در دوره معاصر به شمار می‌آید، آثار ارزشمندی در باب مقاومت و پایداری به جا گذاشته است، از قبیل قصایدی مانند «نقوش علی جذع نخلة»، «مسبحة من خرز الكلمات»، «هذه خیمتی.. فأین الوطن»، «اخرجوا من وطنی»، «البكاء علی کتف الوطن»، و قصاید دیگری که در واقع دشمن را در سجال‌های غمبار و ترسناکی مورد خطاب قرار می‌دهد. در واقع یحیی سماوی با تلقی خاص که از اوضاع سیاسی و اجتماعی عراق در دوره اشغال توسط آمریکایی‌ها داشته است، زندگی خود را به طور کل وقف نبرد و ستیز نمود، این نبردها به جزئی از کل کیانش مبدل گشته، و در چندین محور وارد جبهه جنگ واقعی شده، از طرفی با اشغالگران با دعوت مردم به جهاد و قیام علیه دشمن، و از طرف دیگر با رسوا کردن بعضی از خائنان و منفعتان طلبان که در خدمت استعمارگر درآمدن، و آن‌ها را گاهی به دلالان دلار و تجار نفت نامیده است، اگرچه حمله به عراق به نام آزاد کردن عراق از رژیم دیکتاتوری صدام یاد شده (ایروان، ۱۳۸۸: ۱۵۷)، اما در واقع بسیاری این مداخله نظامی را تنها ابزاری برای حفظ جریان انرژی و نفت جهان غرب می‌دانند (قاسمی، ۱۳۸۹: ۴۵). یحیی سماوی به خوبی می‌دانست که نفت عامل اساسی طمع بیگانگان و اشغال عراق است، و معتقد است که اشغالگران به تنهایی به اشغال و چپاول عراق مبادرت نمی‌ورزند. لذا خطاب‌های سجالی در شعر او بسیار جدی و همه جانبه برای کشف حقایق امور آمده است.

محمد مهدی جواهری

او محمد مهدی فرزند شیخ عبدالحسین و جدش محمد حسن صاحب «جواهر الکلام» است. در سال ۱۹۰۰ در نجف اشرف به دنیا آمد، ایشان از خاندانی است که اغلب آن‌ها یا عالم، یا شاعر، و یا ادیب بوده‌اند. در سال ۱۹۲۷ مشغول به تدریس در دبیرستان‌های نجف شد و در سال ۱۹۴۱ به ایران هجرت کرد. بعد از چند سال به عراق بازگشت در انتخابات مجلس عراق شرکت داشت و در سال‌های ۱۹۵۳ و ۱۹۵۶ مشغول به روزنامه نگاری و مقاله نویسی سیاسی در رسانه‌های آن دوران شد. بعد از رسیدن بعثی‌ها در کودتای سال ۱۹۶۸ ایشان از عراق به کشورهای اورپایی فرار کردند. سپس بازگشت‌هایی به عراق داشتند اما نتجتاً در سوریه مستقر شد و در آنجا وفات یافت (الجواهری، فی العیون: ۵۲۲).

مفهوم خطاب سجالی

سجال در لغت به معنای تفاخر یکی بر دیگری، از ریشه «سجل» است، در «لسان العرب» ماده «سجل» به تعریف دلو بزرگ. دلولی که پر از آب است که دو نفر قصد سبقت در پر کردن دلو دارند که گفته شود فلانی به فلانی در بزرگی سجال دارند (ابن منظور، لسان العرب: ۱۱). مساجله کلامی به معنای گفت‌وگویی با دلیل و رقابت (معلوف، المنجد، ترجمه احمد میاح: ۸۱۶)، در فرهنگ لاروس نیز سجال از ماده سَجَل گرفته به همان معنای دلو بزرگ (خلیل جر، فرهنگ لاروس، ترجمه سید حمید طبیبان: ۱۱۷۴). اما در اصطلاح سجال، خطابی است با ساختاری زبانی متکی بر ابزارها، و پیوندهای زبانی با بیان چالش و جدل‌های مبنی بر برهان و دلایل منطقی، جهت تأثیر گذاشتن و قانع نمودن دیگران به حجج و براهین مطرح شده، لذا سجالی ایجاد می‌شود که ارتباط تنگاتنگ با متکلم، و مخاطب، و هدف دنبال شده دارد (العزوی، ۲۰۱۰: ۹).

سجال خطابی همان است که بر تأثیر عاطفی و جذب ذهنی و وجدانی مخاطب استوار است، و لو اینکه گاهی از طریق تخیل باشد، بنابراین چنین خطابه‌ای، از بین صناعات پنج‌گانه منطق جاگیر می‌شود، همان منزله وسطی بین صناعته جدل و صناعته شعر یا تخیل (صوله، محمد: ۱۸).

با تأمل در معنای سجال در فرهنگ عمومی عرب، آنچه به دست می‌آید در این معنا مرتبط به دو مسار است: جنگ و افتخار. زیرا این دو به منزلت بهترین زمینه برای استفاده از سجال می‌باشد، و قدیماً گفته شده است (الحرب سجال) در حالی که مجالات شعر سجال در ادبیات غربی غیر از این است، بلکه اغلب در چرخه دین، سیاست، و فلسفه، و نقد می‌چرخد. در فرهنگ اکسفورد در مورد سجال آورده است، آنچه برای هجوم بر نظریه سیاسی یا دیدگاهی که اغلب در خطابات دینی، و سیاسی، و گاهی در فلسفه و نقد نوشته می‌شود (احمد یوسف، ۱۴: ۲۷). علی هذا سجال در ادبیات عرب، عبارت است از اظهار ستیز و نبردی جهت شکست دادن طرف مقابل، با شیوه‌های مختلف منوط به شرایط اوضاع و ایدئولوژی که شاعر بر آن تکیه دارد، یا گاهی سجال شعری مابین دو شاعر اتفاق می‌افتد که نوعی جدل با شواهد و دلایل جهت بیان افضلیت و ارجحیت طرف اول با طرف مقابل.

اگرچه سجال شعری دارای نوعی از علامات مناظره، یا مکاشفه، یا مجادله، و یا گفت‌وگو خصمانه است، اما در واقع سجال با آن‌ها تفاوت دارد، زیرا سجال نیازمند به محیط و مجال که مملو از تفرقه، دشمنی تا هر طرف قصد پیروز درآمدن بر طرف دیگر به طور مستمیت که قابل برگشت نیست. پس نوع خطاب سجالی طبیعتاً با خطاب شعری غیر سجالی مختلف است، چون این خطاب با وجود ساختار مرکبی که دارد بر محورهای سؤال و جواب، مطرح کردن مضمون‌های دارای ابعاد پر اهمیتی ما بین اطراف مورد سجال استناد می‌کند، لذا در قالب خطابی مثبت مدعی مقاومت و پایداری درمی‌آید (همان: ۲۵).

البته این نوع خطاب مساحتی قابل توجه از آزادی بیان می‌طلبد، چون در مقابل طرف دوم نیازی به ایستادگی و انتقاد دارد که شاعر در چنین مواردی باید بر خطاب سجالی‌اش تسلط داشته، و سبکی در تعبیر انتخاب کند که با مقتضیات و شرایط اوضاع مناسب داشته و در نتیجه تأثیر خود را بر طرف مقابل و خوانندگان گذاشته باشد. لذا تنافر، اختلاف، تعارض، مناظره، تهدید، و رقابت و... از نشانه‌های انفعالات شعری در زمینه سجال است که به شیوه‌های مختلف بیان می‌شود. بس خطاب سجالی حالتی

است از پاسخ دادن به خطابی دیگر که رقیب آن را مطرح کرده، و این پاسخ قصد دارد سجال او را با سجال خود از بین ببرد و ذوب کند (حاتم عبید: ۱۶۸).

مؤلفه‌های خطاب سجالی یحیی سماوی

از آنجائی که یحیی سماوی بعد از شرکت در انتفاضه ۱۹۹۱ مردم عراق، موفق به فرار از عراق به عربستان سعودی می‌شود، و همچنین ایشان بارها زندانی و به دست رژیم صدام مورد شکنجه قرار گرفته بود، لذا در مورد فرارش می‌گوید: «شانس، بسیار با من یار بوده است، مقرر شده بود که بعد از شکست انتفاضه مردمی ماه (آذار) سال ۱۹۹۱م، دستگیر شوم که شانس به من روی آورد و در گریز از عراق موفق شدم» (معروف: ۱۲۸). ایشان توانسته بود در چندین جبهه و خط با رژیم مبارزه کند، هم جبهه سیاسی، و هم جبهه فرهنگی که سعی داشت کل قدرت شعری و فرهنگی خود را در این راه بذل نماید، و آنچنان موارد ستم و بیچارگی مردم عراق، و بدبختی‌هایی که بر اثر تسلط قوای آمریکا بعد از صدام بر سر مردم آمد تشخیص دهد که گویی راهی جز علم کردن و آشکارا نمودن این موارد نیست که در واقع به تراژدی عصر مبدل گشته بود. ایشان معتقد بود که اشغالگران، به تنهایی به اشغال و چپاول عراق مبادرت نورزیدند، بلکه داخل کشور همدستانی دزد، دلال، و طمعکار دارند. لذا آن‌ها را «القادة السماسرة» (رهبران دلال) توصیف می‌کند، و می‌گوید:

«خطر ما یهدد الأوطان / فی حیاتنا المعاصره / القادة السماسره / وفاتحوا الأبواب نصف اللیل / للأباطره» (سماوی، ۲۰۰۸: ۹۹)

- خطرناک‌ترین چیزی که کشورها را تهدید می‌کند / در روزگار معاصر / رهبران دلال‌اند / و بازکنندگان درها در نیمه شبان به روی / عیاشان

یحیی سماوی در بیان بدبختی‌های مردمش تنها راه نجات را قیام و ایستادگی در مقابل اشغالگر می‌داند، و هرگونه سازش و مدهانه با آن‌ها جنایتی در حق عراق و مردمش است، لذا لحن سجال در این مورد شدید و سازش ناپذیر است که دشمن را به عملیات انقلابی تا آزادی تهدید می‌کند.

«فاخرجوا من وطنی / وامنحونا فرصة الدفن لموتانا / وأن نخرج من تحت الركام / جثثنا ما بلغت عُمر الفطام / فاخرجوا / من قبل أن ينتفض النخل العراقی / ویستلّ سیوف الانتقام» (سماوی، ۲۰۰۶: ۱۱)

- از سرزمینم خارج شوید / و فرصتی برای خاکسپاری مردگانمان به ما بدهید / و آن‌ها را از زیر ویرانه‌های جنگ خارج کنیم / جسد‌های ما زیر خاک هنوز از شیر گرفته نشده‌اند / بیرون روید / پیش از آنکه نخل عراق (مردان مقاومت و انقلاب) به جنبش درآید / و شمشیر انتقام را از نیام بر کشد

او می‌گوید قتل نوزادان شیرخوار برای آمریکایی‌ها جنایت نیست، بلکه از کارهای معمولی که در همه جا انجام می‌دهند می‌باشد. نوعی از انواع جنایت آمریکا و می‌گوید که آن‌ها بدانند این تراژدی پاسخ دارد، و مردان انقلابی نتجتاً تحمل نخواهند کرد. او در ادامه ستیز و سجال‌هایش نگاهی به هموطنانش که خود را باخته‌اند و با اشغالگر مشغول داد و ستد هستند دارد و قصد دارد دنیا را متوجه آنان کند، و با همان روحیه انقلابی‌گری به طور مفتضحانه در طرف دوم سجال قرارشان می‌دهد و می‌گوید:

«تصرخُ الآن اخرجوا من وطنی / وارفعوا - قبل العقوبه - آیادیکم / الشعب المضمام / حررونا منکم / ومن زیفِ الشعارات / وتجار حروب (النفط والشفط) / واصحاب حوانیت النضال / سارقی أرغفة الشعب» (همان)

- اکنون فریاد می‌زنید که از وطنم بیرون روید / قبل از مجازات دست بردارید / از این ملت ستم‌دیده / ما را از شر خودتان رها سازید / و از ریاکاری در شعارهای دروغ‌گین / و از تاجران جنگ‌های (نفت و پمپاژ) / و صاحبان بازارهای جنگ / همان چپ‌ولگران نان این ملت

در این سجال شعری بین شاعر به نمایندگی از مردم عراق و بین ریاکاران، خائنان و همکاران اشغالگر است، شاعر آن‌ها را به چالش می‌کشد و مردم را متلقی و مورد خطاب سجالی قرار می‌دهد، یعنی مردم عراق، دو بار طرف سجال هستند، یکبار فریاد دهنده، و مبارزه طلبی با تحقیر همکاران اشغالگر، و یکبار مستمع و متلقی آماده برای قیام علیه اشغالگر. اما شاعر از طرفی دیگر علت همه این بیچارگی‌ها در حکومت ظالمانه صدام می‌بیند، و می‌خواهد بگوید که یک رهبر خائن، و دیکتاتور چه مصیبت‌هایی می‌تواند بر

سر مردم بیاورد(این به پاسخ کسانی بود که دفاع از صدام برابر آمریکا امر مشروع می دانستند) می گوید:

«فاخر جوا من وطنی

واشربوا نخب انتصار القائد السجان

فی الحرب علی الشعب السجین»(همان)

«القائد السجان» به صدام حسین اشاره دارد که وی عراق را بر مردم این کشور به زندانی تبدیل نموده بوده، که مردمش شدیدترین مرارت‌ها و شکنجه‌ها را در زمان حکومت وی، متحمل شدند.

وی تراژدی وطنش را، اعم از ویرانی و قتل عام، به دست اشغالگران دانسته است و از آن‌ها می‌خواهد تا با چپاول که مانده نفت تسریع و تشدید کشتار مردم کند، این امر را به حد اعلای خود برسانند تا بلکه از سرزمینش بیرون روند، که می‌گوید:

هذه أسمأنا فانتبهوا	یا لصوص الحرب بان النصب
عصر (ضیزی) این منه المهرب	دمروا أرض الحضارات فذا
انتم النار ونحن الحطب	جربوا ماكنه الموت بنا
فأتموا قتلنا وانسحبوا	حكم العصر علينا بالأسی

(سماوی، ۲۰۰۳: ۲۶)

- ای دزدان جنگ‌ها، خستگی نمایان گشت، این ته‌مانده (نفت) ماست پس آن را به یغما ببرید

- سرزمین تمدن‌ها(عراق) را ویران کنید، پس کجا می‌توان از این عصر(ناعادلانه) گریخت

- ماشین مرگ را روی ما بیازمایید، شما آتش هستید و ما هیزم آن

- این روزگار، حکم بر اندوه ما صادر نمود، پس کشتار ما را به نهایت خود برسانید و عقب بنشینید

شاعر با عبارت «جربوا ما كنه الموت بنا» شاید به تجهیزات نوین نظامی آمریکا اشاره دارد که برای اولین بار در عراق مورد استفاده قرار گرفت، و آنچه در خور توجه است ناامیدی شاعر مقاومت از بهبود اوضاع است(این منه المهرب)، و شاید این هم اشاره به

این است که جز ایستادگی و مقاومت از این مقدر فراری نیست که می‌گوید: «حکم العصر علينا بالآسی».

شاعر در ناتوانی سیاستمداران عراقی از تأمین امنیت خود، عار ننگین می‌داند، و تراژدی حزن انگیز امروز عراق در آوارگی، اندوه، و محصول خرما، و نفت که به جای آنکه باعث سیری این ملت گردد، باعث طمع و تجاوزی گشته است که در نهایت گرسنگی مفرط در پی داشته است.

او در قصیده‌ای به نام «هوامش فی کتاب العمر» آورده است:

«يُصَدِّرُ الْعِرَاقُ تَمْرًا / وَمَشْرَدِينَ نَاجِينَ مِنَ الْإِبَادَةِ / وَالْحَزْنَ / وَالنَّفْطَ الَّذِي أَشْبَعْنَا جَوْعًا»
(سماوی، ۲۰۰۹: ۱۲۹)

- عراق، خرما را صادر می‌کند / و آوارگانی نجات یافته از نابودی / و اندوه را / و نفتی که ما را از گرسنگی اشباع نموده است

عبارت «اشبعنا جوعاً» یعنی نفتی که ما را از گرسنگی اشباع نمود بیانگر نوعی پارادوکس است، جهت بیدار کردن مردم عراق، گویا ما نفت را می‌دهیم گرسنگی را وارد می‌کنیم، لذا اشاره به آخر این نفت و این تجارت بی حاصل تا کی باشد.

یحیی سماوی در بیان همه مصیبت‌های مردم عراق، خود در سجال می‌بیند که در طرف مقابل آن هم آمریکا و هم سیاستمداران ناتوان قرار دارند، و تا آنجائی که توانسته است متلقى مردم را که انقلابی و سلحشور عراق است تشویق به قیام و انقلاب کرده است که می‌گوید:

«كفَاكَ هَذَا الْعَارُ / كفَاكَ هَذَا الْعَارُ / يَا أُمَّةَ اللَّهِ انْهَضِي / كفَاكَ هَذَا الْعَارُ / مَنْ قَبْلَ أَنْ يَطْبِقَ لَيْلُ الْقَهْرِ بِالْجَعِي / عَلَى بَقِيَّةِ النَّهَارِ / وَقَبْلَ أَنْ يُؤْمَرَكَ الْقُرْآنُ / أَوْ تَهْوَدَ الْأَمْصَارُ»

- این ننگ تو را بس است / این ننگ تو را بس است / این امت خدا به پا خیز / این ننگ بر تو بس است / پیش از آنکه شب خشم و قهر با سیاهی / باقیمانده روز را فراگیرد / و قبل از آنکه قرآن آمریکایی شود / یا / شهرها، یهودی کردند

شاعر از عبارت «تهود الأمصار» هشدار می‌دهد و اشاره می‌کند به تجربه تلخ فلسطین و یهودی کردن شهرها به تدریج توسط صهیونیست‌های اشغالگر. لذا یحیی سماوی ضمن دعوت مردم به جهاد و نابودی اشغالگران، خیانت، و خیانتگران را تحقیر می‌کند:

«بِاسْمِ الْفِرَاتِ الْمَسْتَبَاحِ / وَبِاسْمِ نَخْلِ مَثْكَلٍ بِالسَّعْفِ وَالْعَرْجُونِ / حَتَّى بَاتَ مَذْبُوحِ
الظَّلَالِ / وَاسْتَأْصَلَ جَذْوَرَ (أَبِي رِغَالٍ) / حَى عَلَى النَّزَالِ...» (حسینی، ۱۹۹۲: ۱۲۹)

- به نام فرات مباح شده / و به نام نخلی در سوگ خوشه‌های خرما نشسته / تا
آنجائی که سایه‌اش ذبح شد / و ریشه‌های (ابو رغال) را از ریشه بر کن / بشتابید به
سوی پیکار...

شاعر مقاومت در حالی که متذکر شده است که چپاول کشورش، در نیمه شب و به دور از چشم مردم و منابع را به یغما بردن، به طوری که تنها ضایعات است که سهم آنان گشته است این مصیبت‌ها را پایه و اساس برای قیام و مقاومت می‌داند و در واقع این سجال واقعی است که شاعر به نیابت از مردم متصدی گشته است که می‌گوید:

لِي مِنْ نَفْطِهِ: السَّخَامُ / مِنْ حَقُولِهِ: التَّبْنُ / مِنْ تَنْوَرِهِ: الرَّمَادُ / مِنْ بَقْرَتِهِ: الرُّوثُ / مِنْ عَسَلِهِ:
الشَّمْعُ / مِنْ بَحَارِ خَيْرَاتِهِ: الزَّبْدُ / مِنْ سَمَائِهِ: الرَّعُودُ / وَمِنْ شَرْطَتِهِ: الصَّفْعَاتُ / عَجَبًا / أ كُلُّ هَذَا
وَيَقُولُونَ؟ / الْعِرَاقُ بَخِيلٌ؟» (سماوی، ۲۰۰۹: ۹۳)

- سهم من از نفتش: دوده و سیاهی است / از بستان‌هایش: کاه / از تنورش: خاکستر /
از گاوش: سرگین / از عسلش: موم / از دریا برکاتش: کف / از آسمانش: رعد / عجیب
است که با همه این‌ها می‌گویند / عراق خسیس است

صور خیال در سجال سماوی

یحیی سماوی در قصاید سجالی‌اش، از تصویرهای خیالی با اسلوب بلاغی و از استعاره، کنایه، تشبیه و بقیه انواع مجاز و همچنین تناس، تضمین، و... استفاده نموده است، تا بتواند سجال را جدی‌تر کند، به طوری که به همه امور احاطه داشته باشد. در واقع شاعر در این فکر بوده که تحریک مردم به ستیز و تحرک به طور مستقیم، شاید دیگر اثر آنچنانی نداشته باشد، و دایره بیانش کم‌تر و ضعیف‌تر است، لذا قصد دارد به طور گسترده و پر تحرک وارد صحنه سجال شود:

«نَحْنُ الصَّعَالِيكُ / سِيْمَاؤُنَا فِي وَجْهِنَا / مِنْ أَثَرِ تَحْدِيقِنَا بِالْأَفْقِ / أَمَا الْأَبَاطِرُ / فَسِيْمَاؤُهُمْ
فِي مَوْخِرَاتِهِمْ / مِنْ أَثَرِ التَّشْبِثِ بِالْكَرَاسِي / مَتَسَبِّبِينَ فِي إِصَابَةِ الْوَطَنِ بِالْبَوَاسِيرِ / هَمْ يُلُونُونَ
الْجُدْرَانَ بِتِصَاوِيرِهِمْ» (سماوی، ۲۰۰۹: ۱۱۳)

- ما صعالیکی هستیم (بدبخت و بیچاره) / که سیمایمان در چهره‌هایمان است / بر
 اثر خیره شدن بسیار به افق / اما عیاشان / سیمایشان در پشتشان است / بر اثر
 تمسکشان به صندلی / که باعث شدن وطن را مبتلا به بواسیر شود / و دیوارها را
 با تصاویرشان پر می‌کنند

شاعر با الهام از آیه‌های قرآن مجید «سِماهم فی وجوههم» و «واعتصموا بجلل الله جمیعاً» و
 همچنین «وَأَنْزَلْنَا عَلَيْهِمُ الْمَنَّاءَ وَالسَّلْوى» تناس به وجود آورده است و با اسلوبی بسیار زیبا و
 هنری، سیاستمداران خیانتکار مورد سرزنش قرار داده است، گویا آن‌ها با چنگ زدن به
 ریسمان اشغالگران، انتظار خیر و خیرات و نعمت‌ها از آنان دارند.

او / امام حسین (ع) را تجلی کرامت اخلاقی می‌داند که مردم باید مکارم اخلاق، یعنی
 مبارزه با ظلم و ستم و بی‌عدالتی از قیام عاشورا بیاموزند.

هل هذه بغداد؟ كنتُ اعرفها	تأبی مهاونة الدخيل العاقی
ورثت عن المنصور صهوة عزمه	وعن الحسين مكارم الاخلاق
هل هذه بغداد؟ تاكل ثديها	فاذا بها وخؤونها بوفاق

(سماوی، ۲۰۰۸: ۱۶۵)

- آیا این همان بغدادی است که از قبل شناختمش؟ که از سازش با بیگانگان
 امتناع می‌وزید

- از منصور اراده قوی و از حسین (ع) مکارم اخلاقی را به ارث برده است

- آیا این همان بغداد است؟ که سینه خود را می‌خورد، آن را چه شده که اکنون با
 خائن سازگار گشته است

در اینجا شاعر با اشاره به نام خلیفه عباسی (منصور) که دولت عباسی در آن دوران در
 اوج قدرت بود، و همچنین اشاره به نام امام حسین علیه السلام، مردم را به مبارزه
 تشویق می‌کند مانند مبارزه امام علیه السلام. او با اقتباس «تأكل ثديها» از ضرب المثل
 «تجوع الحرة ولا تأكل بثديها» تناسی در معنای این ضرب المثل معروف ایجاد می‌کند،
 که مردان آزاده و مبارز از گرسنگی می‌میرند ولی دست به سوی دشمن دراز نمی‌کنند، و
 با این ضرب المثل مردم عراق به یاد گذشته مردانگی و قهرمانی این ملت در برابر
 دشمنان سوق می‌دهد، و در مورد عبارت «وخؤونها بوفاق» اشاره به پیشینه خیانتی که

در کوفه نسبت به /مام حسین(ع) به وقوع پیوست، دارد، و میخواهد مردم از تاریخ حادثه عاشورا درس عبرت بگیرند.

شاعر بار دیگر با قصد اشاره به خیانت بعضی از مردم و حکام دست نشانده، از وجوه بلاغی مستفید از مجاز استفاده می کند، و مردم را نسبت به آنان آشنا می کند تا مبادا گول ظاهرسازی آن ها را بخورند.

«مادام أن السِّلَّ و الطاعون / یفترسان بستان القبيله / والآن / تلتحف الكهوله / حسكاً / وتحلم بالحقول المستحله / ستفیق - قال أبی - تفیقُ مضرّجاً ندماً / علی ما قد هرقت بوهمِ فِرُوسٍ / یقیمُ جناحه نهر البطوله / باع العراق بنوه / واستلم السماسرة العموله» (سماوی، ۲۰۰۳)

- تا زمانی که سل و طاعون / بستان قبيله را فرا گرفته اند / و اکنون / کهولت سن / خار را درهم می پیچید / و به باغ های غیر ممکن می اندیشید / به زودی بیدار خواهید شد - پدرم گفت - در حالی که آغشته به پشیمانی هستید / که چقدر به خیال بهشت بودید / که رود قهرمانی در باغ هایش ساکن است / عراق را فرزندانش به فروش گذاشتند / و دلال ها، کارمزد خود را دریافت نمودند

شاعر با استفاده از صفتهای بلاغی در مجاز و مجاز عقلی قصد دارد به طور غیر مستقیم و با تفاعلی بلاغی در لفظها، مردم را بیدار و آگاه کند، همچنان که گفته است «السل و الطاعون» که مرض سل و طاعون انسانها را می گیرد نه بستانها و باغها بلکه علی سبیل مجاز فعل را به غیر فاعل حقیقی نسبت داده است، و همچنین در «تلتحف الكهوله» نیز به همان مقصد آورده است، و استفاده از عبارت «مضرّجاً ندماً» نوعی همسویی و همشکلی ایجاد کرده با عبارت معروف «مضرّجاً دماً» که باز هم نوعی تشبیه استعاره ای "ندم" با "دم" است که بدان وسیله پشیمانی حالتی کم تر از خون آلود شدن نیست، آن هم زمانی که فرصت دفاع و مقاومت را از دست بدهید، و مملکت مورد خیانت دلالها و خائنها واقع گردد.

شاعر در ابیاتی دیگر، مردم عراق را به پرنده ای تشبیه کرده است که دو بال آن باید هماهنگ و متحد باشد و اگر این نباشد هرگز نمی تواند پرواز کند.

هی أمة أعداؤها منها .. متی طار الجناحُ وبعضه معطوبُ

ما نفع توحید اللسان لأمة إن لم توحّد أذرع وقلوب

او در یک ارتباط استعاره‌ای عراق را با پرنده‌ای، که یکی از بال‌هایش زخمی است، و اکنون درگیر پرواز است، در اینجا با فعل «طار» یکی از لوازم مشبه به فعال کرده، و توانسته است در بیت بعدی انسجام توحیدی مابین دو گونه وحدت ایجاد کند، یکی وحدت رزمی و با هم بودن، دست‌ها در دست هم، و دیگری وحدت در طرز تفکر علیه اشغالگر، زیرا تنها وحدت زبانی نمی‌تواند در مقابل دشمن، اگر همفکری نباشد ایستادگی کند. یحیی سماوی در ابیاتی دیگر، دزدان و اشغالگران، همچون ملخ بر بستان حاصلخیز کشور وارد شده‌اند تا بهترین ثمره‌های آن را نابود کنند:

«كلُّ الجراد البشري الآن في بغداد/ فيا جيع الرافدين اتحدوا/ ونظفوا الحقل من الجراد/ كي لا يجوع في الغد الأبناء والأحفاد/ فان تأمين رغيف الخبز/ فرع من فروع شريعة الجهاد»

- تمام ملخ‌های بشری اکنون در بغدادند/ پس ای گرسنگان رافدین به هم پیوندید/ و مزرعه وطن را از ملخ‌ها پاکسازی کنید/ تا فردا فرزندان و نوادگان شما گرسنه نمانند/ زیرا تأمین و تهیه قرص نان/ بخشی از تکالیف جهاد و مجاهدان است

در استعاره دشمنان و اشغالگران تشبیه به ملخ‌ها کرده است، و در عبارت «نظفوا الحقل» یکی از لوازم مشبه به نشان داده است که گرسنگان کشور (رافدین) عراق مواظب باشند، آن‌ها چیزی نه برای شما و نه برای نسل‌های بعدی باقی نمی‌گذارند، پس باغ‌ها و بستان‌ها را از این دزدها پاک کنید، و بدین وسیله مردم عراق را به اتحاد در برابر اشغالگران فراخوانده است، تا اشغالگران ملخ صفت پیش از آنکه همه چیز نابود کنند از بین ببرید. قابل ذکر است که استفاده از فعل امر «نظفوا» در اینجا با قصد تحقیر طرف مقابل و توهین است، اگرچه نظافت پاکی است اما در اینجا رفع آلودگی دشمن اشغالگر است.

نتیجه بحث

با بررسی مجمل قصاید یحیی سماوی درمی‌یابیم که سجال‌های شعری او متکی بر مقاومت و ایستادگی است، او در این سجال‌ها، چالش‌های مطرح می‌کند که طرف

مقابلش، دشمن اشغالگر، و طرف متلقى، مردم عراق است، شاعر هدف از ایجاد قصاید شعری سجال، تحریک مردم جهت ایستادگی و مقاومت در مقابل آمریکا اشغالگر کشورش، و همچنین در مقابل عناصر سیاسیون خائن که دنبال منافع خویش هستند می‌باشد. اسلوب سجال شعری یحیی سماوی با سجال‌های شعری معروف نوعی مختلف است، ایشان سعی دارد در این سجال‌ها معضلات و بدبختی‌ها، و به یغما رفتن اموال عراق طوری نشان دهد که به عنوان محورهای تراژدی واقعی، که مردم عراق با آن دست و پنجه نرم می‌کنند، صفحه‌های تراژدی انسانی که در عراق واقع شده، چاره‌ای جز دفاع و مقاومت ندارد، شاعر در این اشعار سجال مقاومت، سجال تحدی در راه آزادی مطرح کرده است. از خصوصیات سجال شعری شاعر ایجاد روحیه مقاومت و تشخیص انقلابی بودن مردم به عنوان تنها راه خلاص از ذلت و عار اشغال و همچنین استفاده از انواع صنعت‌های بلاغی چه لفظی و چه معنوی است. ایشان از تشبیه و استعاره، استفهام، تضمین، و کنایه آنچنان که بتواند بدبختی‌ها و مصیبت‌های مردم با جدیت و استحکام لفظی مطرح نماید، شاعر با احساس خلأی که میان آلام عراق و آمال خود می‌بیند، زبان سجالی شعری خود را گشوده است، او در دو محور، محور سیاسی و محور اجتماعی هم‌زمان فعال بوده است. ایشان در این سجال‌ها ابتکاری، فنی را به وجود آورده که در ایجاد عبارت‌های ادبی مخصوص سجال می‌تواند منحصر به فرد باشد، از قبیل «القادة الأباطرة»، «مذبوح الظلال»، «اعتصام بحبل الأجنبي»، «تجار النفط»، «تهود الأمصار» و غیره. سجال‌های یحیی سماوی اگرچه در هدف با سجال‌های محمد جوهری تطابق داشته است، اما در شیوه و سبک متفاوت‌اند.

کتابنامه

- ابن منظور، محمد بن مکرم. ۱۴۱۴ق، لسان العرب، بیروت: دار صادر.
- احمد یوسف، عبدالفتاح. ۲۰۱۴م، الخطاب السجالی فی الشعر العربی، بیروت: دار الكتاب الجديدة.
- جر، خلیل. ۱۳۸۶ش، فرهنگ لاروس، ترجمه حمید طیبیان، ج ۲، تهران: مؤسسه امیرکبیر.
- الجواهری، محمد مهدی. ۱۹۸۶م، الجواهری فی العیون من اشعاره، دمشق: دار طلاس للدراسات والنشر.
- حاتم، عمید. ۱۳۸۱ش، فرهنگ عمید، ج ۲، تهران: مؤسسه انتشارات امیرکبیر.
- سماوی، یحیی. ۲۰۰۳م، زنا بق بریة، التنفيذ والطباعة، با کوشش حسین علی جراوی.
- سماوی، یحیی. ۲۰۰۶م، قلیک .. لاکثیرهن، با کوشش سلیم فیلی، استرالیا.
- سماوی، یحیی. ۲۰۰۸م، مسبحة من خرز الكلمات، چاپ اول، دمشق: دار التكوين.
- سماوی، یحیی. ۲۰۰۸م، البكاء علی كتف الوطن، چاپ اول، دمشق: دار التكوين.
- سماوی، یحیی. ۲۰۰۹م، شاهده قبر من رخام الكلمات، دمشق: دار التكوين.
- صوله، محمد. ۲۰۰۷م، الحجاج فی القرآن من خلال خصائصه الاسلوبية، بیروت: دار الفارابی.
- الغزوی، ابوبکر. ۲۰۱۰م، حوار حول الحجاج، مغرب: دار البيضاء- دار الاحمدية للنشر.
- معلوف، لویس. ۱۳۷۷ش، المنجد، ترجمه احمد سیاح، ج ۱، تهران: انتشارات اسلام.
- نجار، محمد. ۲۰۰۹م، وب سایت شخصی mohamednajar.org

مقالات

- ایروانی، ایه سعید. ۱۳۸۸ش، «عملیات آمریکا در عراق و تأثیر آن بر ایران»، فصلنامه روابط بین المللی خارجی، شماره دوم، ص ۱۸۴.
- بلوای رسول، آباد مرضیه. ۲۰۱۳م، «استدعاء شخصیه الامام الحسین(ع) فی شعر یحیی السماوی»، مجله الجمعية العلمية الايرانية للغة العربية وآدابها، شماره ۲۷، ص ۱۶.
- حسن، عبید. ۲۰۰۹م، «فی تحلیل الخطاب السجالی»، مجله الفصول، شماره ۷۵، الهيئة المصرية للكتاب.
- قاسم، محمد علی. ۱۳۸۹ش، «بازیگران مؤثر بر عراق آینده»، فصلنامه مطالعات راهبردی، سال سیزدهم، شماره اول، ص ۸۵.
- معروف، یحیی. ۱۳۹۱ش، «دراسة وتحليل المضامين الشعرية للشاعر یحیی سماوی»، مجلة اللغة العربية وآدابها، شماره ۱۴، ص ۱۵۳.

Bibliography

- Ebn Manzoor, mohammad bin mokaram, (2014), Lissan Al Arab, Beirut. Sader house
- Ahmad, Yousif, Abdelfatah, (2014), poem Discourse in Arabic lyrics, Beirut, book house
- Erewani, Aeha Saeed, (1389), Us operations in iraq, Journal of foreign Relations, number2, p184.
- Belway Resool, Abade Merzieha, (2013), call his personal Imam Hussain in Semavis' poem, number27, p16
- Hattem Ameen, (1381), Ameen Dictionary, Tehran publishing institute, Ameer Kebeer.
- Hassen Obied, (2009), Analysis discourse, journal of Al fssol, number75, Elahiyeh al-Masryiyeh Lolktab.
- Khalil jar, (1386), Larose dictionary, translated by Hamed Tebibian, Tehran, institute Ameer kabir.
- Samavy Yehia, (2008), crying at home, Damascus, takween house.
- Samavy Yehia, (2009), Shahidat Kabir for soft words, Damascus, takween house.
- Samavy Yehia, (2003), Zanabic barieha, with effort of hosain Ali jaravy.
- Samavi Yehia, (2006), Kelelak La Ktherhon, with effort of Saleem fayliy, Australia.
- Sawleh mohammed, (2007), Alhijaj de Quran, Beirut, Faraby house.
- AlAzavy Abobaker, (2010), Conversation of hijaj, Darlbeza, Alahmadi publishing.
- Qasim mohammed Ali, (1389), Effective cast character, for Iraq, Motaleat rahbrdt, y.13, p85.
- Maloof yousif, (1311), Almonjed, translated by Ahmad Seyah, Tahran, Eslam publish.
- Maroof Yehia, (1391), learn and explain poem of Samavy, Magazin of Arabic language number14, p153
- Najar mohammad, (2009), w.b. Mohamed alnajar org.
- Aljawaheri, Mohammad Mahdi, (1986), Aljawaheri in best poetry, Damascus: Talas publish.

